



مدعی خواست که از بیخ کند ریشه ما
غافل از آنکه خدا هست در اندیشه ما

تقصیر

هفته نامه سیاسی بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد، سال دوم، شماره پنجم، شماره مجوز: ۹۸۱۸۲۵، هفته اول آذر ماه ۱۳۹۸

تقصیر مراجع است!



SNN
Vahid Bayat



تقصیر مراجع است!

تدریجی انجام شد. ابتدا سهمیه ۱۲۰ لیتر برای هر خودرو در نظر گرفته شد و به مرور کم شد. قیمت بنزین نیز ۲۰۰ درصد افزایش پیدا نکرد. و مهم‌تر از همه ابتدا سهم مردم از گرانی بنزین پرداخت شد و سپس اجرای آن کلید خورد. همین تدابیر ساده که نیازمند دولت تدبیر و امید نیست. چه بسا مبصر یک کلاس هم این سطح از تدبیر را داشته باشد. اما دولت چنین نکرد، هزینه ایجاد کرد تا امتیاز بگیرد. امتیازاتی برای آینده که شرح آن بماند.

و اما درست در جایی که خیلی‌ها (از جمله دولت گرانقدر) منتظر بودند تا رهبری در موضع منتقد این عمل برآمده و با حمایت از اعتراضات مردم نقش قهرمان داستان را ایفا کرده و البته دولت نیز گام‌های بعدی سناریو خود را بردارد. رهبری اما با حمایت از روند قانونی کشور و تصمیم برآمده از جمع سران قوا، مطالبات مردم را از زمین بازی از پیش طراحی شده خارج کردند، و آن‌ها را به سمت و سوی درست آن نشانه رفتند. درست چند روز پس از آغاز بحران‌های بنزینی کشور رهبر انقلاب با طرح دوباره دغدغه تولید و کارآفرینی گرای لازم را



برای دلسوزان کشور دادند. واقعیت این است که تا موقعی که گفتمان ارزش بودن کار و تولید ثروت، فرهنگ خودکفایی، فرهنگ قناعت و دوری از اسراف و تبذیر، فرهنگ کارآفرینی و تعاون در جامعه ایجاد نشود هیچ دولتی موفق نخواهد شد در عرصه اقتصاد دشمنی را پس بزند.

اما اگر گفتمان درستی حول این مفاهیم در کشور به وجود آید چه بسا همین دولت هم ناگزیر باشد که تکه‌ای از این پازل باشد.

جنگ امروز، جنگ اقتصادی است و سرداران این جنگ تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاران و کارآفرینان هستند. امروز اگر بنا داریم کشور را از این گردنه مسائل اقتصادی عبور دهیم هم خودمان باید بتوانیم این گفتمان را در فضای جامعه به وجود آوریم و هم مطالبات از دولت و نهادهای مختلف باید در این راستا قرار بگیرد. دولت ممکن است فردا حاشیه‌ای جدید ایجاد کند، اما مطالبه مردمی باید متمرکز و هدفمند باقی بماند. اگر مطالبه‌ای از دولت داریم باید در راستای رفع موانع تولید و رفع سیاست‌های غلط و فسادهایی باشد که کمر تولیدکننده را شکسته است.

همانطور که جنگ تحمیلی جز با حضور اقشار مختلف مردم به سرانجام نمی‌رسید و دشمن عقب رانده نمی‌شد؛ در جنگ اقتصادی نیز جز با حضور مردم و مطالبه و گفتمان‌سازی نخبگان جامعه موفق به عقب زدن دشمن نخواهیم شد.

شنیده شده که جناب رئیس جمهور در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی کنترل بود تا اینکه مراجع تقلید علیه اقدام دولت موضع گرفتند و نمایندگان مجلس اعتراض کردند. خوب البته از جناب روحانی انتظاری جز این نداریم اما همین صحبت هم چندان بیراه نیست. آن روزهایی که آقای رئیس جمهور با لباس دین هر حرف ضددینی را بر تریبون‌ها گفت و حوزه علمیه قم و اکثر فضلاء آن مشغول تماشا بودند باید انتظار حرف‌های ایشان نسبت به مطالبه برحق مراجع تقلید را می‌داشت. روزی که درس عاشورا مذاکره شد. از سیره امام حسن علیه السلام درس تسلیم و ذلت در برابر دشمنان گرفته شد و در آخرین فرمایشات نیز شاهد پیامبری بودیم که در برابر نقض عهد دشمنان و پیمان شکنی آن‌ها فقط پیمان دوباره می‌بندد! همان روزها حرمت‌ها شکسته شد. تعجبی ندارد اگر امروز اغتشاشات و ناآرامی‌ها به گردن مراجع بیفتد.

واقعیت این است که دولت نمی‌خواهد برای حرف‌ها و تصمیماتش هزینه دهد.

ماشین رسانه‌ای اصلاح طلبان و دولت سالهاست که هم‌راستا با اتاق جنگ رسانه‌ای دشمن تمام ناکارآمدی‌ها و مشکلات را فارغ از دولت‌ها به پای نظام می‌نویسد.

خیال دولت راحت است چون هر جا قرار باشد بابت ناکارآمدی‌هایش مورد سؤال واقع شود جایی جدید از نظام را پیدا می‌کند تا با فرافکنی‌های مدیرانه خود انگشت اتهام را به سوی تک تک نهادها و ارگان‌های نظام نشانه برونند. یک روز قوه قضائیه، یک روز شورای نگهبان، یک روز مجمع تشخیص مصلحت نظام، یک روز سپاه، یک روز مراجع و حتی بالاتر از آن که البته مورد آخر را نه به انگشت که با گوشه چشمی می‌نوازد.

راستی اصلاً کسی آخرین باری که جناب روحانی مسئولیت کاری را به عهده گرفته باشد یا بابت اشتباهی عذرخواهی کرده باشد به یاد می‌آورد؟! مؤلفه نااطمینانی بحثی بسیار مهم در کنترل یک فرد و مجموعه و پاسخگو بودن آن است. کسی که از جایگاه خود نااطمینانی نداشته باشد دست به هر کاری می‌زند. عمادانه هزینه بیشتری ایجاد می‌کند تا امتیاز بیشتری بگیرد. چون می‌داند هزینه درست کردن برای مجموعه جایگاهش را به خطر نمی‌اندازد. وگرنه پیش بینی تمهیدات مناسب برای افزایش قیمت بنزین کار سختی بود؟ کاری که همین چند سال پیش توسط دولت قبلی انجام شد و نه تنها مشکلات امروزی را ایجاد نکرد که اتفاقاً با رضایت عمومی نیز همراه شد. اولاً سهمیه‌بندی به صورت

یادداشت

حق اعتراض

مهدی طالبی

مهندسی مکانیک ۹۵

حوادث اخیر را می‌توان از جهت ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داد. از ابعاد امنیتی گرفته تا سیاسی. اما یکی از مهم‌ترین وجوه ناآرامی‌های اخیر بعد اجتماعی و به خصوص مسئله نحوه اعتراض به مسائل گوناگون در جمهوری اسلامی است.

واقعاً آیا کانال‌های اعتراض به وضعیت معیشت در جمهوری اسلامی به قدری محدود هست که به کف خیابان آمدن راه حل قضایاست؟! یا قانون اساسی راه حل مناسبی به صورت مسالمت‌آمیز و هدفمند برای حل اعتراضات مدنی پیش‌بینی کرده است تا دشمن بر روی هر مسئله ورود نکند و برای کشور هزینه نتراشد.

هر چند انتخاب مهم‌ترین راه برای مشارکت مردم در عرصه‌های اساسی و مهم کشور می‌باشد و از طریق انتخابات می‌توان سیاست‌گذاری‌های کلان کشور را از طریق انتخاب افراد مناسب تغییر داد، اما هنوز خلأ یک ابزار قانونی برای مدیریت اعتراضات مدنی مخصوصاً برای مسائل معیشتی پیش‌بینی نشده است.

تجربیات جمهوری اسلامی در این چهل ساله نشان داده است دشمن تمام عزم خود را برای مقابله با جمهوری اسلامی به کار برده است و از هر فرصتی برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی استفاده می‌کند. هرگاه مردم برای دستیابی به حق قانونی خویش دست به یک اعتراض مدنی مسالمت‌آمیز زده‌اند دشمن از آن سوءاستفاده کرده و نه تنها مسیر مطالبات به حق آنان را منحرف کرده بلکه از این طریق ضربه بیشتری به وضعیت مردم در ابعاد مختلف می‌زند.

مسئله تا حدی روشن است. مردم می‌بایست کانالی مناسب برای پیگیری مطالبات خود بدون امکان سوءاستفاده دشمن دارا باشند. بخشی از این وظیفه مربوط به حکومت بصورت ایجاد مسیرهای قانونی برای پیگیری این مطالبات است. بخش دیگر آن بسته به بصیرت مردم و فهم آنان از فضای سیاسی کشور و همراه نشدن با دشمن می‌باشد. با این تفاسیر بیش از پیش خلأ وجود چنین فضایی در قانون اساسی کشور یافت می‌شود. امروزه جمهوری اسلامی به حدی در زمینه‌های امنیتی و سیاسی قدرتمند شده است که می‌تواند با فتنه‌های داخلی و خارجی به مقابله پردازد و آنان را به نحوی مدیریت کند که کمترین آسیب به مردم و کشور برسد. اما هر مسئله‌ای که به کاهش سرعت انقلاب اسلامی در رسیدن به اهداف خود بیانجامد مسئله‌ای مهم برای این انقلاب محسوب می‌شود و حل آن گامی رو به جلو هم برای حکومت و هم برای مسئولین می‌باشد.



در هزارتوی عدالت آموزشی

گزارشی از نشست حذف تنوع مدارس

تنوع از بخش دولتی را می‌توان به نوعی بازاریابی برای بخش خصوصی دانست. لذا باید مسئله را به خوبی بررسی کرد و راه‌های بومی برای آن در نظر داشت. اما ما متأسفانه اصلاً مسئله را بومی مطرح نکرده‌ایم.

از طرفی جریانی وجود دارد از توصیه‌های بین‌المللی برای خصوصی‌سازی. مشخصاً در سازمانهایی مانند بانک جهانی، آرمان، خصوصی‌سازی در کشورهای خاص است. و چون در برخی کشورها مقاومت‌هایی وجود دارد که عمده آنها مقاومت‌های ایدئولوژیک است، بر این عقیده‌اند که می‌توان به عنوان نسخه بدیل، به جای خصوصی‌سازی کامل، به سراغ مشارکت بخش خصوصی و دولتی رفت. در واقع؛ نظام جهانی به دنبال این است تا با بیرون آمدن آموزش و پرورش از بخش حاکمیتی، به اسم پرورش جامعه مدنی یا هر چیز دیگر، حاکمیت را تضعیف کند؛ در حالی که تعلیم و تربیت عنصر اساسی حاکمیت دینی است و نباید به اسم خصوصی‌سازی آن را به حال خود گذاشت.

ما اگر انقلاب اسلامی را اینگونه درک کنیم که یک «نه» بزرگ به استکبار گفته است، بهتر می‌توانیم دعاها و درگیری‌های موجود را تحلیل کنیم. به نظر می‌رسد که باید در فضای نظری و تخصصی نگاه‌مان را از سطح تحلیل کلان به خرد آورده تا بتوانیم به فهم مسئله و بدیل‌های مناسب چه در سطح خرد و چه کلان برسیم. به عنوان مثال در همین مصوبه حذف تنوع مدارس آرمان‌هایی مثل عدالت و استقلال و پیشرفت مطرح هستند. اگر با در نظر گرفتن این آرمان‌ها به مسئله نگاه کنیم، می‌بینیم که هم می‌توان کیفیت و ساختار آموزش مدارس را مانند سمپاد را نقد کرد و هم مانع حذف این دست از مدارس شد. اساساً در فضاهایی مانند جریان دانشجویی نیاز به عدالت پژوهی به منظور شناخت و درک این آرمان و در نظر گرفتن نسخه‌های بدیلی است که می‌توان این آرمان داشته باشد. به عنوان مثال در مسئله عدالت، عده‌ای قائل‌اند که عدالت یعنی برابری. عده‌ای معتقدند عدالت یعنی رعایت استعداد افراد و بها دادن به آنها در صورت رعایت استعداد افراد و بها دادن به آنها محقق می‌شود. نگاه ما می‌تواند برخاسته از نگاه دینی ما باشد و با انجام نظروزرزی‌ها پخته شود. در این نگاه می‌توان از طرفی کثرت‌ها و تنوع‌ها را در نظر گرفت و از طرفی نیز وحدت و یکسانی. یکی از نکاتی که جا دارد به آن توجه شود، امتداد حکمت متعالیه در فلسفه اسلامی است که البته اصراری نیست که دقیقاً همان چیزی که بوده، باشد. و یکسانی. یکی از نکاتی که جا دارد به آن توجه شود، امتداد حکمت متعالیه در فلسفه اسلامی است که البته اصراری نیست که دقیقاً همان چیزی که بوده باشد؛ بلکه جا دارد با نظروزرزی و تأمل در آن، به قرائت دیگری از عدالت دست یافت.

این‌ها مسئله است، پس سیاست‌گذاران ما باید کدام مسئله را در اولویت قرار دهند؟ از سوی دیگر، متأسفانه نبود آمارهای دقیق در نظام آموزشی ما نیز خود، زمینه‌ساز شایعات و یا ادعاهایی شده که به سختی می‌توان اعتبار آنها را تأیید و یا تکذیب کرد.

علاوه بر این، نه تنها مصوبه حذف تنوع مدارس، بلکه باید سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌ها را مانند ریل دید؛ لذا باید در مورد آنها «باهم‌نگری» داشته باشیم تا بتوانیم فهم دقیق‌تری از وضعیت موجود داشته باشیم؛ لذا در یک باهم‌نگری شاهد این هستیم که سیاست‌گذاری‌ها در مورد نظام آموزشی که مکمل هم نیز هستند، به ویژه در سال‌های اخیر، با ضرب آهنگ تندی به سمت خصوصی‌سازی نظام آموزشی و سپردن آموزش به بازار پیش می‌رود. ما در بدنه دولت با یک

مر تظی نقره‌ای
دکتری برنامه درسی ۹۸

این نشست با حضور رقیه فاضل دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی و مدرس دانشگاه فردوسی مشهد و مهندس شکری طراح طرح مدرسه بچه‌های انقلاب و نیز جمعی از اساتید و دانشجویان برگزار شد. در ادامه به بیان خلاصه‌ای از آنچه مورد بحث قرار گرفت می‌پردازیم.

همیشه آنچه در این مواقع و به ویژه در رصد جریان آموزشی کشور مهم و در اولویت است، شروع از مسئله و فهم مسئله است؛ زیرا، فهم غلط از مسئله به عنوان مثال، تعریف غلط از برخی مفاهیم و واژه‌ها منجر به برداشت غلط از مسئله می‌شود یا فهم تمایز میان «تنوع مدارس» و «تنوع در مدرسه-داری» ما را با بینش متفاوتی نسبت به مسئله مواجه می‌سازد.

به نظر می‌رسد مدل‌های فکری مختلفی در جریان آموزشی کشور هستند که به دنبال مسئله عدالت‌اند. و هر یک این اصلاح نظام آموزشی اعم از کیفیت بخشی به یادگیری و رفع تبعیض آرمان را منوط به شیوه‌های مختلفی از ساماندهی یا حذف تنوع مدارس و یا بهبود شیوه‌های تربیتی می‌دانند. در واقع، همه این موارد را می‌توان در راستای تحقق عدالت آموزشی مؤثر دانست. اما اینکه کدام یک در اولویت است و کدام یک بنیادی‌تر، گویا وجه مغفول همه نگاه‌های ذکر شده است. عدم اولویت بندی منجر شده تا گزینه‌هایی نظیر «الزام آور بودن مدارس دولتی برای فرزندان مسئولین دولت» که می‌تواند باعث آگاهی مسئولین از وضعیت مدارس دولتی و همراهی منافع آنها با بهبود مدارس دولتی شود، جایی برای طرح و بررسی نداشته باشند. دست گذاشتن بر روی گزینه‌هایی مانند ساماندهی و حذف تنوع براساس آنچه در برخی آمارها شاهد هستیم، اولویت ندارد. به عنوان مثال در مدارس دولتی، ۹۲ درصد جمعیت دولتی عادی هستند و ۸ درصد دولتی خاص مانند سمپاد و نمونه دولتی و شبانه‌روزی و هیئت امنایی هستند. تنوع در مدارس خاص هم تنوع اسمی است و تنها مدل اداره مدرسه متفاوت است؛ وگرنه در هسته سیستم تعلیم و تربیت اتفاق خاصی رخ نداده است. در مدارس غیردولتی هم به طور حدودی ۱۳ درصد هستند که تا انتهای برنامه ششم توسعه باید به ۱۵ درصد برسند. بنابراین، این درست است که تنوع‌ها را باید به سامان رساند، اما باید از کجا شروع کنیم؟ این سوال در حالی مطرح می‌شود که مدارس غیردولتی نیز به لحاظ تیپ‌شناسی یکسان نیستند. در بین این مدارس حقیقتاً برخی با دغدغه تربیت ایجاد شده‌اند و برخی هم هستند که بنگاه معاملاتی هستند. می‌توان یکی از گزینه‌های اولیه را ایجاد سامانه‌ای برای رصد این تنوع دانست و نه حذف تنوع بدون پشتوانه مطالعاتی و بدون بررسی سایر اولویت‌ها. اگر

سلسله نشست‌های آموزش در ایران

در هزارتوی عدالت آموزشی

● بررسی طرح حذف تنوع مدارس ●

با حضور:



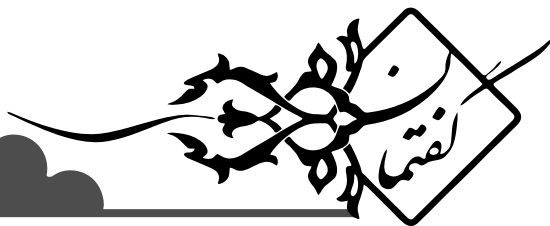
خانم دکتر رقیه فاضل
دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی
مدرس دانشگاه فردوسی مشهد



آقای حجت‌الاسلام جواد شکری
دانش آموخته مهندسی مکانیک دانشگاه فردوسی
طراح و مدیر مجموعه مدارس بچه‌های انقلاب

دوشنبه ۲۷ آبان‌ماه ۱۳۹۸، ساعت ۱۲ الی ۱۴
دانشگاه فردوسی مشهد
سالن شورای ۱ دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

ایدئولوژی نئولیبرال مواجه هستیم که اصرار دارد تا آموزش به ساز و کار بازار سپرده شود. اگرچه می‌توان پایه‌های اولیه این سیاست را در برخی از اسناد تحولی کشور دید که خود منجر به تعارض نظری در این اسناد شده است. اما متأسفانه هر چه از اسناد بالادستی فاصله می‌گیریم و به عرصه‌های اجرایی نزدیک‌تر می‌شویم، این مسئله آشکارتر می‌شود. به عنوان مثال بسته حمایت از بخش خصوصی در دوره وزارت آقای فانی یکی از مواردی است که می‌توان نام برد. این در حالی است که سازوکارهای بخش خصوصی باید زمینه را برای حمایت از احاد امت فراهم کند. مسئله حذف تنوع مدارس نیز در همین نگاه قرار می‌گیرد. در واقع تنوع‌ها از بخش دولت حذف نمی‌شود بلکه از بخش دولتی به سمت بخش خصوصی رانده می‌شود. در واقع مصوبه حذف



برجام، بنزین، شبکه ملی اطلاعات!

مهدی شاهسون

روانشناسی ۹۶

سه شنبه

۲۹ آبان وزیر

ارتباطات

گفت: «اینترنت اختلال ندارد، بلکه به دستور و تشخیص شورای امنیت کشور با ابلاغ به اپراتورها قطع شده است.»

برجامی بود. امضا شد. در ایران اجرا شد، ولی آمریکا خارج شد و اروپا به عمده تعهداتش عمل نکرد. برجام بی‌فرجام شد. قرار شد برای خروج از آن گام‌های چندگانه طی کنیم، شاید طرف ۱+۴ توبه کرده و به ایران روی خوش نشان دهد. آمریکا هم که هر چند روز یک بار به دنبال تحریم بیشتر و فشار اقتصادی به ایران. اوقات به همین منوال می‌گذشت که هشدارهایی مانند کاهش ۲۰ برابری فروش نفت ایران، تن تمام وزارت خانه‌ها و دولت را لرزاند. نقطه بحرانی، بسیار نزدیک. اقتصادی که تکیه‌اش بر نفت است، با کاهش بی سابقه در طی چهار سال اخیر روبرو شد. دولتی که به برجامش افتخار می‌کرده و می‌کنند...

تدبیرها روی میز چیده شدند. یکی از آن‌ها بیش از بقیه به چشم مردم آمد؛ سهمیه‌بندی بنزین. تصمیمی که نقص‌های تئوریک، اجرایی و تصویب پرحاشیه‌ای داشت. این تصمیم موافقان و مخالفان خود را داشت. اما مردم با توجه به تجربه‌های تلخ پیشین ناامید از ثمردهی

حرف چیزی درست نمی‌شود. فعلا چندروزی با شبکه ملی اطلاعات سر و کار داریم. از این رو اظهارات وزیر پرحاشیه این گونه تغییر کرد: «اینکه عده‌ای تصور کنند راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات مساوی است با قطع کامل اینترنت و قطع ارتباط با شبکه جهانی اینترنت، تصویری اشتباه و مغایر با مصوبات شورای عالی فضای مجازی و اصول عقلانی است. هیچ کس موافق نیست که ما خودمان را از داده‌های موجود در شبکه جهانی اینترنت محروم کنیم و در عین حال نتوانیم گفتمان انقلاب اسلامی را مطابق تاکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم حضور جریان‌ساز در جهان، در سطح اینترنت جهانی منتشر کنیم.»

با اینکه شبکه ملی اطلاعات در برخی بخش‌ها به خوبی پاسخگوی نیازهاست، اما نقص‌هایی که توجیه پذیر نیست در این میان جلوه بندی دارد. فرصت مغتنمی است برای مطالبه تقویت شبکه ملی اطلاعات و اینترنت داخلی. پوپولیسیم همین است که در هر شرایطی پاسخ ندهی و سرزنش نشوی. مسئولین باید پاسخ بدهند که در این زمینه قرار بوده چه کنند و در عمل چه کرده اند. اما ما با فرار از پاسخگویی و خود منجی‌پنداری مواجه هستیم. «من امروز صبح با گروه‌های مختلف که در این موضوع دست اندرکار هستند مانند وزارت کشور صحبت کردم تا سریع‌تر اینترنت وصل شود.»

این طرح رفاهی، با کراهت به آن نگاه کردند. تا روزی که فراخوان‌های آشنایی در فضای تلگرام و اینستاگرام دست به دست شد. مبنی بر اینکه مانند مردم فلان کشور بیایید ماشین‌هایمان را در خیابان‌های اصلی شهر خاموش کنیم. البته فقط این نبود. با جملاتی که قصدشان برانگیختن احساسات بود مردم را تهییج کردند (چه کسانی؟!). قصد این فراخوان‌ها هم اعتراض مدنی اعلام می‌شد. گذشت تا روز موعود فرا رسید. شد آنچه نباید می‌شد. مردمی که اعتراض به گرانی داشتند بهت زده از صحنه کنار رفتند. آشوب، اغتشاش، کشتار، غارت، ناامنی. آورده فراخوانی که منشأ آن نامعلوم ولی قابل حدس بود. وضع کنونی؛ فضا امنیتی شده و اینترنت بین المللی قطع.

اکنون اما مسئله‌ای دیگر روان را می‌رنجانند. فردی که وظیفه داشته زیرساخت مناسب اینترنت را فراهم آورد و شبکه ملی اطلاعات را تقویت کند، نه تنها در مورد بی‌کاری خود پاسخگو نیست بلکه در نقش یک ناجی وارد میدان می‌شود و پیگیر وصل اینترنت بین الملل!!! بله، فرار به جلو. حال نه تنها از بی‌کاری بازخواست نمی‌شود، که به قهرمان جوانی بدل می‌شود که جلوی تصمیمات مردم‌آزار می‌ایستد. (آذری جهرمی: «من امروز صبح با گروه‌های مختلف که در این موضوع دست اندرکار هستند مانند وزارت کشور صحبت کردم تا سریع‌تر اینترنت وصل شود.») اما هرچه باشد، با

سیاست در ورزش

پاسخی پررنگ به سؤالی کم رنگ

رضا حاجی زاده

ارشد فیزیولوژی ورزشی ۹۷

چرا ورزشکار ما در عرصه ملی باید از رویارویی با حریفی از رژیم غاصب صهیونیستی خودداری کند؟

سؤالی که شاید از ذهن برخی از مخاطبان ورزشی که از اندیشه و بینش سیاسی فاصله گرفته‌اند مطرح می‌شود. هرچند عمده مردم ایران و حتی اقصی نقاط جهان به این پرسش پاسخ داده و برای آن دلایل قانع‌کننده خود را دارند، در این متن سعی در یادآوری و مرور استدلال‌های لازم برای این مسئله داریم؛

هنوز داد و فریادهای مربی علیرضا کریمی در مسابقات کشتی قهرمانی امیدهای جهان در گوشمان هست که «علیرضا باید ببازی، باید ببازی» هنوز گریه و زاری جواد محبوب پس از مسابقات جودو قهرمانی جهان از خاطرمان پاک نشده است.

هیچ وقت، هیچکس در این سرزمین پهناور و اسلامی ما، از لغاتی همچون بی‌غیرتی و کم گذاشتن برای ورزشکاران مان استفاده نکرد. اصلا فرق جوان ایرانی با سایر جوانان دنیا با کلیدواژه‌ای به نام «غیرت» رقم خورده است. با وقوع انقلاب اسلامی ایران کلیدواژه

صهیونیستی و عدم رویارویی با آن‌ها هم پرچمی شده که روز به روز بیشتر و بیشتر در بین ورزشکاران اسلامی و حتی غیراسلامی دست به دست می‌شود.

در دورانی که قدرت رسانه به اوج خود رسیده و حتی ورزشکاران ما را مورد هدف قرار داده که از بینش و منش حقیقی خود که همواره حمایت از مظلوم بوده است فاصله بگیرند، فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی در حمایت از علیرضا کریمی دلگرم‌کننده و خواندنی است. ایشان کار بزرگ او را از سنخ کار پهلوانان نامداری همچون پوریای ولی دانستند و گفتند: «من از اینکه جوانی از جوان‌های ما حاضر است برای یک هدف بزرگ و بلند، پا بر روی نفس خود بگذارد و از حق قطعی و قهرمانی مسلم خود صرف نظر کند؛ واقعا احساس عزت کردم.»

حال که به نابودی این کشور جعلی طبق گفته‌های رهبر معظم انقلاب روز به روز نزدیک‌تر می‌شویم؛ و شعار همیشه زنده و پویای «مرگ بر اسرائیل» بر سر زبان جوانان ایران اسلامی جاریست، اولین و آخرین میدان مبارزه ورزشکاران ایرانی و رژیم صهیونیستی در سرزمین قدس خواهد بود. «ان شاءالله»

«غیرت»، شکل و معنایی دیگر در عرصه‌های جهانی به خود گرفته است. لزوما غیرت در باور جوان ورزشکار ایرانی، رقابت از دل و جان تا آخرین نفس معنا نمی‌شود؛ گاهی گذشتن از سکو و مدالی که پشت آن سال‌ها درد و تلاش و آسیب است؛ معنا می‌شود.

رژیمی منحوس و جنایتکار هزاران کودکی که با نغمه داستان‌های شیرین مادرانه غرق در آغوش خواب بودند؛ به کام مرگ کشانده است. کشوری که نطفه آن با خشم و زور و غصب منعقد شده، حتی نام جعلی کنونی آن هم نمی‌تواند سرپوشی بر هزاران جنایت و تجاوز و تخطی آن باشد، همین قضایا خود حجتی روشن و مبرهن برای ورزشکار برومند ایران اسلامیست که همچون اعتقادات و باورهای اسلامی خود، دستگیر و یاور برادران مسلمان خود در میدانی و رقابت‌های جهانی و بین المللی باشند.

همان‌طور که به برکت این نظام اسلامی، حجاب بانوی ایرانی نمادی ارزشمند و هویت‌بخش برای دختران ورزشکار ما در بزرگترین رقابت‌ها همچون المپیک است و همچنان که این باور دینی و ملی ما هیچ منافاتی با موفقیت آن‌ها ندارد، کناره‌گیری و به رسمیت نشناختن ورزشکاران رژیم



امان از فتنه های رنگ رنگ

شعر جدید میثم مطیعی در نماز جمعه قم، از حوادث اخیر میگوید

نور ماه است او، تو راه از چاه بشناس و بیا
با صف اول نشینان فاش می گویم راز
اعتراض ما سر جایی خودش باقیست باز
اعتراض ما به سستی های تدبیر شماست
از گرانی ها، از این ۶ سال تأخیر شماست
مردم آرام ما از این تلاطم دلخورند
دلخوشان بازی برجام! مردم دلخورند



از معطل کردن کشور سر میز فریب
که نشد از آن به جز تحریم روزافزون نصیب
دم به دم از گفت و گو با اجنبی دم می زنید
پس چرا در گفت و گو با مردم خود الکنید؟
مردم ما از تکبر، از تورم شاکی اند
از لجوجان سیاست باز، مردم شاکی اند
باز گردید آی... ای دلدادگان آمریکا
راه حل اینجاست آری در همین ایران ما

باز هم فتنه! امان از فتنه های رنگ رنگ
باز هم کشتار و غارت، باز سوغات فرنگ
این طرف نابود شد دارایی نان آوری
آن طرف خاکستری ماند از جهاز دختری
باز از داغ شهیدان سینه ها غوغا شده
آه از آن نوزاد یک ماهه که بی بابا شده
خواب می دیدند هر قشری به میدان پا نهد
هر گروهی با شعاری در خیابان پا نهد
این یکی فریاد استعفای دولت سر دهد
آن یکی در آتش تعطیلی مجلس دمدم
هر یکی چیزی بگوید، حق و باطل گم شود
موجی از سردرگمی ها قسمت مردم شود
صبح یکشنبه کلامی روی آتش آب ریخت
فتنه را دیدم که حیران و هراسان می گریخت
تا صف مردم از این آشفتگی ها دور شد
اغتشاشی کور بر جا ماند و فتنه کور شد
باز هم از فتنه قابیل رد شد کاروان
با تولای علی از نیل رد شد کاروان
گرچه بعضی از خودی ها آن زمان دلخور شدند
از سؤال و شبهه و نقد و تأمل پر شدند
از چه رو آقا خودش را خرج دولت کرد باز؟
خویش را آماج تیغ طعن و تهمت کرد باز
غافل از این که چه جنگی پشت این صحنه به پاست
در کمین گاهندگان لحظه ای غفلت خطاست
خضر راه است او، دگر چون و چرا کردن چرا؟

دست نوشته دانشجویی ...

داشت و آن آرمان چیزی جز رسیدن به تمدن نوین اسلامی نیست. تمدن نوین اسلامی یعنی جهانی سرشار از عدالت و امنیت و رفاه بر محوریت خداوند تبارک و تعالی. یعنی جهانی خالی از ظلم و فساد و دروغ. یعنی اخلاص و رفاقت و عقانیت. بسیجی ها آرمانی به این زیبایی و بزرگی دارند. برای رسیدن به این آرمان بی تابانه در تلاش اند. برنامه ها و اهداف کوتاه مدت و بلندمدت دارند.

برای رسیدن به این تمدن اول باید به دولت اسلامی برسیم. یعنی دولتی که از سران سه قوه گرفته تا مسئولین جزء کف جامعه همگی بر محور اسلام و عدالت کار کنند. سپس به جامعه اسلامی می رسیم، جامعه ای که مردم و دولت همگی به سمت اسلام و بر محور اسلام در تلاش اند. سپس به تمدن می رسیم.

اما برای رسیدن به این آرمان ها باید گفتمان سازی کرد، باید تبیین کرد. باید روی آینده و نسل بعدی سرمایه گذاری کرد. آینده کشور و نسل بعدی مسئولین همین ما دانشجویان هستیم. هر کدام قرار است یک گوشه این مملکت را دست بگیریم و بسازیم. یکی بقال یکی دکتر یکی بنا یکی رئیس جمهور یکی وکیل. هر کداممان یک گوشه کشور را دست می گیریم. اگر ما این جا یعنی دانشگاه تربیت نشویم و تجربیات و افکارمان بر محور این آرمان بزرگ شکل نگیرد چگونه می توانیم آینده را بسازیم؟

پس بسیج، این لشکر مخلص خدا در دانشگاه وظیفه و هدف خود را چیزی جز تربیت نیروی تراز انقلاب نمی داند.

تلاش میکنند که نیروی جوان مؤمن انقلابی، از جنس مردم و میان مردم و به فکر مردم پرورش دهد.



محمد ادیب

فقه و مبانی حقوق ۹۵

جمعی از جوانان عاشق، از جنس مردم، در بین مردم، به فکر مردم و در کف جامعه که ریالی پول نمی گرفتند و نمی گیرند و یقین دارم نخواهند گرفت ولی جانانه در راه اسلام و انقلاب اسلامی کار می کردند و می کنند و خواهند کرد، بی ادعا و متواضع، صبور و بااخلاق، آرمان گرا و سرشار از امید.

عجیب انسان هایی هستند، به آنها می گویند بسیجی تازه این ها بخشی از ویژگی های این مردان خداست. هر جا باشند و با هر عنوانی شما آنها می شناسید مهم نیست، هر جا چنین شخصیتی دیدید بدانید او بسیجی است، میخواهد پرونده بسیج داشته باشد یا نداشته باشد. می خواهد چفیه بپندارد یا نپندارد. میخواهد ادعای بسیجی بودن داشته باشد یا نداشته باشد.

به هر حال در مکتب امام خمینی رحمه الله علیه بسیجی یعنی همین. راحت تر و صریح تر بگویم: بسیجی بودن به کارت بسیج و پرونده و ریش و چفیه و تسبیح نیست. بسیجی بودن به یقه بستن و ادعا کردن نیست.

این ها برای شناخت یک بسیجی ملاک نیست، بسیجی یعنی جوان مؤمن انقلابی، از جنس مردم، در بین مردم و به فکر مردم.

«بسیجی یعنی علی علیه السلام که تمام وجودش وقف اسلام بود»
این ها ملاک بسیجی بودن است.

بسیجی یعنی ابوالفضل رفیعی، ریش هم داشت، پرونده و کارت بسیج هم داشت، تسبیح هم دست می گرفت، چفیه هم می انداخت ولی به خاطر اینها بسیجی نبود. بسیجی بود چون میان مردم، از جنس مردم و به فکر مردم بود. این مرد بزرگ همین جا پیش ماست، کسی که برای اسلام و امتش جانش را هم فدا کرد. و اکنون مزارش وسط دانشگاه ماست. این مردان بزرگ یعنی بسیجی ها آرمان های بزرگی هم داشتند و دارند و خواهند



گروه کوهنوردی شهید علم الهدی



برنامه کوهنوردی هر هفته جمعه صبح ها، در فضایی دوستانه برگزار میشود.

جهت اطلاعات بیشتر به آدرس زیر مراجعه کنید.



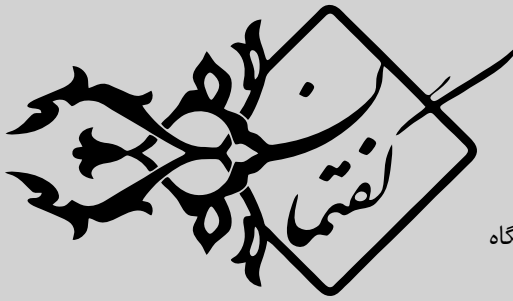
@kooheh_alamolhoda



دوهفته نامه عقیدتی سیاسی اجتماعی خبری

گفتمان

- شماره مجوز: ۹۸۱۸۳۵
- شماره پنجم، هفته اول آذر ۱۳۹۸
- صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد
- مدیر مسئول و سردبیر: مهدی شاهسون
- ویراستار: حسین فکور یکتا
- هیئت تحریریه:
- آقایان محمدجواد هاشمیان، مهدی طالبی، علی اصغر یوسفی، مرتضی نقره ای، محمد ادیب، مهدی محمدزاده، رضا حاجی زاده، سجاد واحدی خراسانی، صابر استیری، حسین فکور یکتا، محمد مهدی محبی، مهدی شاهسون
- خانم فاطمه کریمی
- طراحی و صفحه آرائی: حسین فکور یکتا



انجمن طراحان صدا

● با ما در ارتباط باشید

آدرس کانال نشریه در شبکه های اجتماعی:

@Gofteman_fum

آدرس کانال رسمی بسیج دانشگاه فردوسی:

@basfum

اخبار و اعلان های خانه نشریات

نحوه دریافت حمایت مالی

نحوه شرکت در جشنواره نشریات

اسناد و آئین نامه ها

اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات

در سایت سنند

sanad.um.ac.ir

هدی مشی شگاه فردوسی وی دانستور العمل نشریات دانشگاهی است دانشجوبان نشریات فعال sanad.um.ac.ir رشیو بروز نشریه

آرشیو کامل نشریات دانشجویی

نحوه درخواست مجوز نشریه

نحوه ثبت آرشیو نشریه

دستور العمل نشریات دانشگاهی

لیست نشریات فعال

sanad.um.ac.ir

